اعتراض به رأی داوری

در داوری‌های تجاری بین‌المللی

چاپ دوم

مؤلف

دکتر علیرضا ایرانشاهی

عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور استان تهران

پژوهشکدهٔ حقوق

تهران ـ ۱۴۰۲

سرشناسه : ایرانشاهی، علیرضا، ۱۳۴۹ -
عنوان و نام پدیدآور : اعتراض به رأی داوری در داوری‌های تجاری بین‌المللی/ مولف علیرضا ایرانشاهی.
مشخصات نشر : تهران: پژوهشکده حقوقی شهر دانش، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری : ۴۳۵ ص.
شابک : ۳ -۲۲۱- ۴۷۵-۶۰۰ - ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : چاپ قبلی: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۵.
یادداشت : چاپ دوم.
یادداشت : کتابنامه: ص. ۴۱۱-۴۳۵.
موضوع : داوری بین‌المللی تجاری
موضوع : International commercial arbitration
موضوع : حقوق بین‌الملل خصوصی -- داوری و جزا
موضوع : Conflict of laws -- Arbitration and award
موضوع : معاضدت قضایی
موضوع : Judicial assistance
موضوع : داوری تجاری
موضوع : Arbitration agreements, Commercial
رده بندی کنگره : K۲۴۰۰
رده بندی دیویی : ۳۴۱/۵۲۲
شماره کتابشناسی ملی : ۹۴۵۳۰۴۷

با مراجعه به فروشگاه اینترنتی شهر دانش از مزایای خرید آنلاین و تخفیف ویژه برخوردار شوید.

https://sdil.ac.ir/shop/

عنوان : **اعتراض به رأی داوری در داوری‌های تجاری بین‌المللی**

مؤلف : **دکتر علیرضا ایرانشاهی**

ناشر : پژوهشکده حقوقی شهر دانش

نوبت چاپ : دوم

تاریخ چاپ : ۱۴۰۲

شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۷۵-۲۲۱-۳

بهاء: ۳۰۰,۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است.

تهران ـ خیابان کریم خان زند ـ خیابان سنایی ـ خیابان نهم ـ خیابان گیلان ـ پلاک ۵
کد پستی ۱۵۸۵۷۴۳۱۱۱ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۴۵۳۹ تلفن: ۸۸۸۱۱۵۸۱ نمابر: ۸۸۸۱۱۵۸۰
Website: http://www.sdil.ac.ir Email: publication@sdil.ac.ir

در پگاهِ تولّدِ مشعشعِ خورشید
پرندگانِ نقره فام و سپید رقصیدند؛
و آفتاب را به میهمانی آسمان بردند؛
گل عطسه کرد و به باغبان سلام داد؛
در آن گاه، با خطّی از نور به رنگ خدا
بر یمینِ سپهرِ «عدالت» نگاشته بود؛

جَاء الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا

سوره اسراء، آیه ۸۱

سخن ناشر

توسعه ادبیات حقوقی در هر کشور، نقش مهمی در پیشرفت نظام حقوقی آن کشور ایفا می‌نماید. اندیشمندان و پژوهشگران دنیای بیکران حقوق، که شیفته نظم‌اند و سرباز عدالت، آموزه‌های علمی و تجربیات عملی خویش را به جامعه حقوقی عرضه می‌دارند تا بتوانند در تثبیت و تنویر نظم اجتماعی و استقرار عدالت و اصلاح و پیشرفت کشور سهیم گردند.

قانونگذار فهیم و آگاه، هیچگاه در مقام تهیه پیش‌نویس و مهیا شدن جهت وضع قانون، خود را بی‌نیاز از ادبیات و دکترین حقوقی کشور و مشورت با خبرگان نخواهد یافت، و هیچگاه مصوبات قبلی خویش را دائمی و مصون از نقد و اصلاح قلمداد نخواهد نمود. قضات متخصص و عدالت‌پیشه نیز نقد علمی و منصفانه آرای خود را مایه تکامل و پیشرفت می‌دانند.

دانشکده‌های حقوق و حوزه‌های علمیه که به مأموریت خطیر تربیت قضات، وکلا، مشاوران حقوقی، سردفتران، پژوهشگران، و اساتید حقوق و فقه همت می‌گمارند علاوه بر اینکه از آموزه‌های علمی و قضایی کشور بسیار بهره می‌برند متقابلا رسالت مهمی در غنی‌سازی ادبیات و دکترین حقوقی کشور برعهده دارند.

جمهوری اسلامی ایران به ویژه در دو دهه اخیر پیشرفت قابل توجهی در توسعه کمّی ادبیات حقوقی کشور را شاهد بوده است. تعداد کتب و نشریات حقوقی منتشره در کشور طی بیست سال اخیر، به نسبت گذشته به مراتب افزایش یافته است. این دستاورد را باید به فال نیک گرفت و امیدوار بود که این پیشرفت کمّی به همین میزان با توسعه‌ای کیفی در بارور شدن دکترین حقوقی مورد نیاز کشور همراه باشد و با احترام به حقوق مالکیت فکری دیگران انتشار یابد.

انتشارات پژوهشکده حقوقی شهر دانش که همواره سعی داشته است علاوه بر انتشار آثار حاصل از تحقیقات پژوهشکده حقوق، به صورتی هدفمند و با ارزیابی علمی به گزینش و چاپ و انتشار کتابهای حقوقی در حوزه‌ها و موضوعات مورد نیاز جامعه حقوقی کشور مبادرت ورزد، زحمات جناب آقای **دکتر علیرضا ایرانشاهی** در تألیف کتاب **اعتراض به رأی داوری در داوری‌های تجاری بین‌المللی** را ارج نهاده، امیدوار است این کتاب مورد استقبال جامعه حقوقی کشور و مورد استفاده متولیان امر قرار گیرد.

وحید اشتیاق

فهرست

فهرست ۹
درآمد ۱۳

قسمت اوّل: موجبات اعتراض ۱۹

بخش اوّل :موجبات مرتبط با صلاحیت مرجع داوری ۲۳

فصل اوّل: فقدان قرارداد داوری معتبر ۲۵
گفتار اوّل- بی‌اعتباری قرارداد داوری ۲۶
مبحث اوّل – شرایط اعتبار قرارداد داوری ۲۶
مبحث دوّم - قانون حاکم بر اعتبار قرارداد داوری ۵۳
گفتار دوّم - فقدان قرارداد داوری ۵۹
مبحث اول– فقدان کلّی قرارداد داوری ۶۰
مبحث دوّم - نقض و گسترش قلمرو قرارداد داوری ۶۳
فصل دوّم: فقدان و نقض قلمرو «مأموریت» مرجع داوری ۸۷
گفتار اول- منابع صلاحیت مرجع داوری ۹۰
گفتار دوم - انواع نقض قلمرو مأموریت دیوان داوری ۹۲
مبحث اوّل – نقض قلمرو شخصی و نقض قلمرو موضوعی ۹۲
مبحث دوّم: نقض مثبت و منفی مأموریت دیوان داوری ۹۳

بخش دوّم: موجبات مرتبط با روند داوری ۹۷

فصل اوّل: ترکیب وتشکیل نادرست دیوان داوری و نقض آئین مقرّر ۹۹
گفتار اوّل- قانون حاکم بر ترکیب و تشکیل دیوان و آیین داوری ۱۰۰
مبحث اوّل- قانون مقرّ داوری ۱۰۰
مبحث دوّم- قانون منتخب طرفین ۱۰۳
گفتار دوّم : تعارض قوانین در خصوص قانون حاکم ۱۰۴
گفتار سوّم – جایگاه معیار در منابع ۱۰۶
مبحث اوّل - منابع داخلی ۱۰۶

مبحث دوّم- منابع بین‌المللی ۱۱۲
فصل دوّم: نقض اصول دادرسی منصفانه ۱۱۵
گفتار اوّل - مفهوم دادرسی منصفانه ۱۱۵
گفتار دوّم – مصادیق دادرسی منصفانه ۱۱۸
مبحث اوّل - ابلاغ مناسب ۱۱۸
مبحث دوّم- فرصت و امکان دفاع ۱۲۰
مبحث سوّم – استقلال و بی طرفی داوران ۱۲۳
گفتار سوم – جایگاه معیار در منابع ۱۲۹
بخش سوّم: موجبات مرتبط با حقوق عمومی ۱۳۳
فصل اوّل: عدم قابلیت داوری ۱۳۹
گفتار اوّل- مفهوم قابلیت داوری ۱۴۰
گفتار دوّم - قوانین مرتبط با قابلیت داوری ۱۴۱
گفتار سوّم – ملاک های رایج قابلیت داوری ۱۴۳
گفتار چهارم- حوزه‌های غیرقابل داوری ۱۴۹
گفتار پنجم- جایگاه معیار در منابع ۱۶۱
فصل دوّم: نقض نظم عمومی ۱۶۷
گفتار اوّل - مفهوم نظم عمومی ۱۶۸
گفتار دوّم – وجوه شکلی و ماهوی نظم عمومی ۱۷۰
گفتار سوّم- اقسام نظم عمومی ۱۷۲
مبحث اوّل- مطلق نظم عمومی ملی ۱۷۳
مبحث دوّم- نظم عمومی بین‌المللی ۱۷۷
مبحث سوّم- نظم عمومی فراملّی ۱۸۱
گفتار چهارم- مصادیق نقض نظم عمومی ۱۸۷
گفتار پنجم- معیار نظم عمومی در منابع ۱۹۱
بخش چهارم: موجبات مربوط به رأی داوری ۱۹۹
فصل اوّل: فقدان شرایط ظاهری رأی داوری ۲۰۱
فصل دوّم: اشتباه داور ۲۰۵
قسمت دوّم: آیین و آثار اعتراض ۲۱۹
بخش اوّل: آیین اعتراض ۲۲۱
فصل اوّل: شیوه‌های اعتراض ۲۲۳
گفتار اوّل- اعتراض داخلی ۲۲۳
گفتار دوّم- اعتراض به دادگاه‌های دولتی ۲۲۸

فصل دوّم: شرایط اعتراض ۲۳۱
گفتار اوّل- شرایط مربوط به تصمیم مورد اعتراض ۲۳۱
مبحث اوّل- «رأی» بودن تصمیم مورد اعتراض ۲۳۱
مبحث دوّم – «داوری» بودن روند منتهی به تصمیم مورد اعتراض ۲۴۷
گفتار دوّم - شرایط مربوط به طرفین دادرسی اعتراض ۲۴۹
مبحث اوّل - شرایط مربوط به معترض (خواهان ابطال) ۲۴۹
مبحث دوّم- شرایط مربوط به معترض علیه (خوانده) ۲۵۳
فصل سوّم: مرجع صالح جهت رسیدگی به اعتراض ۲۶۵
گفتار اوّل – صلاحیت دادگاه کشور متبوع داوری ۲۶۶
مبحث اول- انواع و جایگاه آراء داوری بر اساس تابعیت ۲۶۷
مبحث دوّم-معیارهای تابعیت رای داوری ۲۷۱
مبحث سوّم - تعارض تابعیت های رأی داوری ۲۸۵
مبحث چهارم – آثار تابعیت رأی داوری ۲۸۷
گفتار دوّم - نفی صلاحیت قضایی دادگاه کشور متبوع داوری ۲۹۷
مبحث اوّل – نفی تابعیت رای داوری تجاری بین‌المللی ۲۹۷
فصل چهارم: قانون قابل اعمال در دادرسی اعتراض ۳۱۵
فصل پنجم: اسقاط حق اعتراض به رای داوری ۳۲۱
گفتار اوّل- انواع اسقاط حق اعتراض ۳۲۲
گفتار دوّم- اسقاط حق اعتراض در منابع ۳۳۰
بخش دوّم: آثار اعتراض به رأی داوری ۳۴۹
فصل اوّل: آثار سرزمینی اعتراض به رای ۳۵۳
گفتار اوّل- آثار صرف دادرسی اعتراض ۳۵۳
گفتار دوّم- آثار موفقیت در اعتراض به رأی ۳۵۶
مبحث اوّل- آثار موفقیت موقت ۳۵۶
مبحث دوّم- آثار موفقیت دائم ۳۵۷
فصل دوّم: آثار فراسرزمینی اعتراض به رای داوری ۳۵۹
گفتار اوّل- آثار فراسرزمینی صرف دادرسی اعتراض ۳۵۹
مبحث اوّل– ممانعت از لازم الاجرا شدن رأی داوری ۳۶۰
مبحث دوّم- تعلیق اجرا در مقصد ۳۶۷
گفتار دوّم- آثار موفقیت در دادرسی اعتراض به رأی داوری ۳۷۳
مبحث اول : دیدگاههای اصلی در خصوص اثر فراسرزمینی احکام ابطال ۳۷۴
مبحث دوّم: اثر فراسرزمینی احکام ابطال آرای داوری در منابع ۳۸۰
برآمد ۴۰۳

فهرست منابع ۴۱۱
منابع فارسی ۴۱۱
کتب ۴۱۱
مقالات ۴۱۳
منابع انگلیسی ۴۱۷
کتب ۴۱۷
مقالات ۴۱۸

درآمد

عرصهٔ اعتراض به رأی داوری بین‌المللی را می‌توان شامل گسترده‌ترین و پیچیده‌ترین و در عین حال جنجال برانگیزترین مسائل مهم داوری‌های تجاری بین‌المللی دانست. اهمیت اعتراض به رأی داوری تجاری بین‌المللی آنگاه آشکار خواهد شد که بدانیم حوزهٔ شمول این تأسیس صرفاً مربوط به مرحله پس از صدور رأی داوری نیست. روند داوری از ابتدا، یعنی از زمان انعقاد قرارداد داوری، با مسئلهٔ اعتراض به رای داوری در ارتباط است. وجود شرط یا موافقتنامه و ارجاع معتبر به داوری مبنای اصلی صلاحیت دیوان داوری است که فقدان آن از مهمترین موجبات اعتراض به رای داوری به شمار می‌رود. روند داوری هیچگاه از سیطره این تأسیس خارج نیست و در صورت نقض معیارهای قانونی مربوطه در جریان روند داوری و اتخاذ تصمیم، رای داوری در معرض خطر ابطال قرار خواهد گرفت. اما این آخر ماجرا نیست. مرحله اجرای رای داوری تجاری بین‌المللی نیز ارتباطی مستقیم و تنگاتنگ با تأسیس اعتراض به رای داوری و بویژه آثار و تبعات آن خواهد داشت. جنبه‌های مختلف حقوقی، تجاری، اقتصادی، سیاسی و حتی اجتماعی و فرهنگی این حوزه از یک سو و اوصاف توأمانِ ملّی و بین‌المللی آن از سوی دیگر، به این تاسیس حقوقی حساسیت‌های خاص فراحقوقی بخشیده است. همین جنبه‌ها و اوصاف، این حوزه را به کانون اتّصال و تعامل و بعضاً تعارضِ نظام‌های حقوقی داخلی با یکدیگر از یک طرف، و نظام حقوق بین‌الملل با این نظام‌های داخلی از طرف دیگر، مبدّل کرده است. ضمن اینکه طرح یک نظام نوین حقوقی تحت عنوان حقوق بازرگانی فراملّی که بیشترین چالش را در همین حوزه ایجاد کرده است، بر این پیچیدگی و حساسیت افزوده است.

اقتصاد جهانی عمدتاً بر پایه تجارت بین‌الملل استوار است و سرنوشت اختلافات حقوقی تجارت بین‌الملل نیز به نحو فزاینده‌ای در داوری‌های تجاری بین‌المللی رقم می‌خورد و فرجام قضایی داوری‌های تجاری بین‌المللی نیز در نهایت در دادگاه‌های کشورهای مبدأ و مقصد مشخص می‌گردد. لذا گزافه نیست اگر گفته شود که سرنوشت حقوق تجارت بین‌الملل با داوری‌های تجاری بین‌المللی و به ویژه مسئله اعتراض به رأی داوری تجاری بین‌المللی پیوندی عمیق خورده است و از همین رو است که در خصوص هیچ یک از مسائل راجع به داوری‌های تجاری بین‌المللی حساسیتی در حدّ و اندازه های مسئله اعتراض به رأی داوری وجود نداشته و

ندارد. این امر که سرنوشت قضایی داوری‌های تجاری بین‌المللی سرانجام در دادگاه‌های کدام کشور، و چگونه، رقم بخورد و یا این که داوری‌های تجاری بین‌المللی بطور کلّی از تحت حاکمیت قانون ملّی و اختیار دادگاه‌های دولتی خارج گردد، باعث ایجاد مهمترین تئوری‌ها و دکترین‌ها و منازعات حقوقی حوزه داوری‌های تجاری بین‌المللی گردیده است. با این حال، دیدگاههای راجع به خروج کامل تصمیم گیری راجع به داوری‌های تجاری بین‌المللی از اختیار دادگاه‌های دولتی، بجز داوری‌های سرمایه گذاری بین‌المللی تحت حاکمیت نظام داوری ایکسید، تاکنون ناکام مانده و حتی در تئوری نیز توفیق چندانی نداشته اند. عملکرد مهمترین دیدگاههایی که تاکنون توانسته‌اند در دکترین و عمل، ظهوری عینی و نسبتاً قدرتمند داشته و داوری‌های تجاری بین‌المللی را تا حدودی تحت تأثیر خود قرارد دهند نیز، نه در جهت حذف کامل نظارت قضایی دادگاه‌های دولتی بر روند داوری، بلکه در راستای تغییر کلّی مرجع قضایی تصمیم گیرنده در خصوص این داوری‌ها بوده است، اگرچه آنها نیز به ظاهر داعیهٔ خروج داوری‌های بین‌المللی را از تحت سیطرهٔ کامل همهٔ نظامهای حقوقی داخلی داشته اند. لذا امروزه چالش واقعی و عملی در این جهت است که دادگاه‌های کدام کشورها سرنوشت نهایی داوری‌های تجاری بین‌المللی را تعیین کنند و این بدان معناست که قانون و دادگاه‌های کدام کشورها در تعیین سرنوشت حقوق تجارت بین‌الملل جایگاه مهم‌تر و اثر گذاری بیشتری داشته و نقش محوری تری را ایفا نمایند.

می‌توان بر این اعتقاد بود که اهمیت داوری‌های تجاری بین‌المللی در تجارت بین‌الملل دوجانبه است. از این منظر، داوری نه تنها مهمترین روش حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی است، بلکه رویه های داوری و نیز رویه های قضایی مرتبط با این داوری‌ها، به عنوان منابع قاعده ساز حقوق تجارت بین‌الملل رخ نموده است و اهمیت آن از این زاویه، اگر از نفس حل و فصل اختلافات بیشتر نباشد، کمتر نیست. آنچه که در این خصوص دارای این ظرفیت است که قاطعیت و اثرگذاری این کارکرد را تحت تأثیر قرار دهد، تعدّد مراجع قضایی تصمیم گیرنده در خصوص آراء داوری تجاری بین‌المللی است. در این راستا، قواعد سنتی حقوق داوری‌های تجاری بین‌المللی که همچنان با قوّت به حیات خود ادامه می‌دهند و اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان نیز از آنها حمایت و پیروی می‌کنند، متضمّن وحدت مرجع صالح تصمیم گیرنده نهایی در خصوص اعتبار وجودی این داوری‌ها، در عین کثرت مراجع قضایی است که به نوعی با اجرای آراء داوری در ارتباط هستند. مبنای اصلی این وحدت، *تابعیت رأی داوری تجاری بین‌المللی* است. طبیعی است که رخنه در این وحدت، نه تنها داوری‌های بین‌المللی، بلکه تجارت بین‌الملل را نیز دچار آسیب و خدشه خواهد نمود. البته کسانی که بدنبال تغییر قواعد بازی در داوری‌های تجاری بین‌المللی هستند نیز به واقع خواهان تفرقه در

این خصوص نبوده و بدنبال انسجام قواعد حاکم بر داوری‌های تجاری بین‌المللی هستند، چراکه خود مهمترین ذینفع تجارت بین‌الملل می‌باشند. امّا آنان خواستار این هستند که این وحدت، حول محور ولایت مورد نظر آنان بوقوع بپیوندد تا با غرس این اصله، ثمرهٔ دلخواه، خود بخود پدید آید. در این راستا تأسیس اعتراض به رأی داوری به طرق مختلف مورد انتقاد قرار گرفته و نفی گردیده و به این ترتیب، سعی گردیده است که مرکز ثقل داوری‌های تجاری بین‌المللی از کشور مبدأ به کشور مقصد منتقل شود. عمده ایرادات در این خصوص بر ناسازگاری اعتراض به رأی نزد دادگاه‌های دولتی با مزایای داوری و منافع تجارت بین‌الملل و اصل آزادی اراده طرفین متمرکز است.

سرعت حل و فصل اختلافات، تخصص و بی طرفی مرجع رسیدگی کننده، هزینه کمتر و محرمانه بودن روند داوری و نظام شناسایی و اجرای آسان آن در سطح جهانی مهم‌ترین ویژگی‌های داوری هستند که آن را به برترین شیوه حل و فصل اختلافات در صحنه تجارت بین‌الملل بدل ساخته اند. شاید از طرفی چنین به نظر برسد که تجویز اعتراض به رأی داوری و نهایتا ابطال آن در دادگاه‌های دولتی با اصل وجودی داوری در تعارض است و با ادامه روند داوری با دادرسی قضایی نزد دادگاه‌های دولتی، نه تنها داوری مزایای خود را از دست خواهد داد، بلکه در صورت ورود دادگاه به ماهیت، عملاً ماهیت داوری دگرگون شده و صرفاً به پیش درآمدی زائد و حتی مضر، برای رسیدگی‌های قضایی دادگاهی خواهد شد که حتی ممکن است در شرایط عادی فاقد صلاحیت رسیدگی به اختلاف باشد. البته در صورت اعمال شیوه‌های افراطی نظارت قضایی در مبدأ از سوی دادگاه‌های دولتی، و به ویژه در معیارهای ماهوی اعتراض به رأی داوری همچون اشتباه داور و مواردی که دادگاه پس از ابطال رأی داوری اقدام به صدور رأی در ماهیت نیز می‌نماید، ایرادات مذکور می‌تواند وارد و بجا باشد. اما واقعیت این است که اصل این تأسیس با اصل آزادی و حاکمیت اراده طرفین سازگار بوده و متضمن رعایت و اعمال توافقات آنان در جریان داوری و حفظ حقوق اساسی و بنیادین آنها در سراسر این روند و نیز عادلانه بودن آن است. می‌توان گفت که امروزه با تکامل قوانین و قواعد حاکم بر داوری‌های بین‌المللی در سطح جهانی، در مجموع، تأسیس اعتراض به رأی داوری نه تنها با نهاد داوری ناسازگار نبوده و نابودگر مزایا و منقلب کنندهٔ ماهیت آن نیست، بلکه موجب ترویج و ارتقاء جایگاه آن و در نهایت باعث رشد و توسعه تجارت بین‌الملل است.

به علاوه ، در صورت حذف نظارت قضایی بر رأی داوری، به ویژه در مبدأ، عملاً داوران دارای قدرت مطلقی خواهند بود که می‌توانند، حتی با نادیده گرفتن توافقات طرفین ، مصداق این جمله از کلیله و دمنه گردند که «هر که دست خویش مطلق دید دل بر خلق عالم کژ کند». لذا در صورتی که نقش داوران از فرشتگان عدالت به نگاهبانان منافع قدرتمندان عرصه

تجارت جهانی تنزل یابد، چه باید کرد؟ قابل کتمان و پرده پوشی نیست که نفوذ کشورهای قدرتمند و سرمایه فرست در بدنه داوران بین‌المللی قابل مقایسه با کشورهای جهان سوم و سرمایه پذیر، همچون کشور ما، نیست. دقت شود؛ صحبت از اشتباه داور نیست.

اکنون می‌توان بر این باور بود که تمایل قاطع نظام‌های ملی داوری در جهت تثبیت تأسیس اعتراض به آراء داوری بین‌المللی نزد دادگاه‌های دولتی و نظارت قضایی بر رأی داوری تجاری بین‌المللی در مبدأ است و در حال حاضر نمی‌توان هیچ کشوری را یافت که از اصل این تأسیس در نظام حقوقی خود رویگردان باشد، به نحوی که کشوری همچون فرانسه که حتی اجرای آراء داوری خارجی ابطال شده در مبدأ، در این کشور به یک رویه تثبیت شده تبدیل گردیده است، خود نسبت به اعمال نظارت قضایی بر آراء داوری تجاری بین‌المللی فرانسوی و رسیدگی به اعتراضات به این آراء و ابطال آنها اقدام می‌کند. اقبال عمومی جامعه جهانی به این تأسیس و خودداری کشورها از حذف آن، موید قطعی کارایی و اثربخشی و ضرورت عملی حفظ و تقویت آن است. به همین دلیل دیدگاه‌های مخالف، به ناچار با انصراف از مقابله با اصل آن، به طرق مختلف سعی در محدود و محصور نمودن این تأسیس و به حداقل رساندن آثار آن، به ویژه در سطح بین‌المللی، نموده‌اند.

ثبات و بقای این تأسیس در سطح جهانی بی دلیل نیست. تاسیس اعتراض به آرای داوری تجاری بین‌المللی ضامن اطمینان خاطر بیشتر و امنیت حقوقی و آسایش فکری فعالان عرصه تجارت بین‌الملل و تضمینی بر عادلانه بودن داوری و موجب حفظ اساسی ترین حقوق خصوصی طرفین این داوری‌ها است. فقدان این امکان می‌تواند به فقدان اعتماد عمومی به داوری‌های تجاری بین‌المللی و در نهایت تضعیف آن و در نهایت به آسیب دیدن تجارت بین‌الملل منجر شود. در ضمن باید به خاطر داشت که رسالت داوری حل و فصل اختلافات به هر قیمتی نیست، بلکه حل و فصل قانونمند و عادلانه اختلافات مبتنی بر قصد و رضای طرفین هدف غایی داوری است؛ برقراری نظم عادلانه. در عین حال باید به خاطر داشت که تنها فایده و اثر وجودی این تأسیس، ابطال عملی رأی داوری تجاری بین‌المللی ناقض معیارها نیست، بلکه ترس از نظارت قضایی دادگاه های کشور مبدأ، خود، واجد اثری پیشگیرانه است که موجب هشیاری و دقت و عملکرد مناسب داوران و حتی طرفین خواهد شد. به علاوه حق حاکمیت کشور ها نیز مستلزم اعمال نظارت قضایی بر آراء داوری مربوطه است. داوری و نتایج آن می‌تواند نه تنها طرفین، بلکه جامعه را نیز تحت تاثیر خود قرار دهد. این امر از این جهت واجد اهمیت مضاعف است که نقش داوران و داوری‌های تجاری بین‌المللی را در پیدایش، تحوّل و تکامل قواعد حاکم بر تجارت بین‌الملل، و تبعاً تأثیر آن بر شئون مختلف جوامع و ملتها را نیز به خاطر داشته باشیم. همین امر دخالت دولتها در تنظیم و تنسیق قواعد حاکم بر داوری‌های

تجاری بین‌المللی را ، با اعمال نظارت قضایی بر رأی داوری، توجیه می‌کند. نباید از یاد برد که داوری شیوه‌ای برای حل و فصل خصوصی اختلافات است که بنا بر اذن و تجویز و حمایت نظامهای حقوقی ملی امکان پذیر و موثر خواهد بود. قدر متیقن این که امکان نظارت قضایی بر آراء داوری تجاری بین‌المللی در مبدأ این توان بالقوه را دارد که تضمینی در جهت اطمینان از احترام داوران به قصد و اراده مشترک طرفین و حل و فصل عادلانه و منصفانه اختلافات آنها، در عین ملاحظه حساسیت ها و رعایت نظم عمومی بین‌المللی کشور مبدأ باشد.

این نوشتار، بر مبنای تأسیس اعتراض به رأی داوری تجاری بین‌المللی و قاعدهٔ تابعیت ملّی رأی داوری تجاری بین‌المللی و تبعیت وضعیت رأی داوری تجاری بین‌المللی در صحنه بین‌المللی از وضعیت آن در کشور مبدأ، و بیانگر وضعیت کلّی نظارت قضایی در مبدأ نسبت به آراء داوری تجاری بین‌المللی، در بعد جهانی است که با اتکاء بر دکترین، اسناد و منابع داخلی و بین‌المللی، نسبت به شرح، نقد و بررسی آن اقدام گردیده است. علاوه بر بعد علمی-دانشگاهی مسئله، اشراف بر این وضعیت، ولو بطور اجمالی، به خصوص برای داوران و قضات دادگاه‌ها و حتی طرفهای داوری و فعالان عرصه تجارت بین‌المللی در ایران، که یکی از درگیرترین کشورها با داوری‌ها بین‌المللی بوده است، ضروری به نظر می‌رسد. ارائه یک شمای کلی از وضعیت حقوقی اعتراض به رأی در داوری‌های تجاری بین‌المللی از افقی برتر از نگاه ملّی، متناسب با وصف بین‌المللی این داوری‌ها، هدف اصلی این کتاب بوده است. البته نگارنده مدعی نیست که این هدف به نحو مطلوب و به طور کامل در این نوشتار محقق گردیده است و بدون تردید مکتوبات حاضر جامع نبوده و عاری از عیب و نقص نمی‌باشد، اما دلیل این امر صرفاً بضاعت اندک و توان علمی ناچیز نگارنده نیست؛ گسترهٔ این حوزه از حقوق بسیار وسیع و فراگیر است.

تنظیم این نوشتار با شرح، توصیف، تطبیق و نقد وتحلیل و استنتاج از منابع صورت پذیرفته است. در سراسر این کتاب تلاش گردیده است که تا حد امکان از دکترین و منابع ملّی و داخلی کشورها اعم از قانون و رویه قضایی و منابع و اسناد بین‌المللی مربوط که در رأس آنها قانون نمونه آنسیترال راجع به داوری‌های تجاری بین‌المللی قراردارد استفاده گردد. همچنین نظر به شباهت و قرابت فراوان معیارها و قواعد حاکم بر اعتراض به آراء داوری تجاری بین‌المللی با معیارها و قواعد راجع به شناسایی و اجرای آراء داوری خارجی، تا حد لزوم و در موارد اقتضاء، از منابع مربوط به شناسایی و اجرای آراء داوری خارجی نیز ، به ویژه کنوانسیون جهانشمول ۱۹۵۸ نیویورک راجع به شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی، جهت تنویر هرچه بیشتر زوایای مسائل و فربه کردن استدلالات و بویژه اخذ وحدت ملاک، استفاده شده است.

در این فرصت مناسب، مراتب تقدیر و سپاس خود را نسبت به جناب آقایان دکتر گودرز افتخار جهرمی، دکتر محسن محبی، دکتر عبدالله شمس، دکتر غلامعلی سیفی، دکتر سیّد

قاسم زمانی، دکتر حمیدرضا نیک بخت و به ویژه دکتر محمدعلی بهمئی، که در تهیه اثر حاضر از نظرات و دیدگاه های عالمانه ایشان بهره ها جسته ام، تقدیم می‌نمایم. همچنین لازم است از جناب آقایان دکتر علی امیری، دکترحمیدرضا اصلانی و دکتر سید مفید کلانتریان که دسترسی اینجانب به برخی منابع و آراء قضایی و داوری را تسهیل نمودند تشکر کنم.